



16

Vol. 4
Winter 2025

Research Paper

Received:
17 November 2024Revised:
31 December 2024Accepted:
12 January 2025Published:
19 February 2025

P.P: 11-34

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743

Trumpism and Its Prospects: Intensification of the Liberal Democracy Identity Crisis and the Decline of Fundamental American Values During Donald Trump's Presidency phenomena

Hossein Karimi-Fard¹

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.4.16

Abstract

This study addresses the fundamental question: Why did the American liberal democracy system ultimately lead to the emergence of Trumpism as its final product? The main hypothesis of this research is that Trumpism, as a populist phenomenon, directly stems from the structural and ideological crises of liberal democracy. These crises are primarily due to the weakening of fundamental democratic principles such as civic participation, social justice, and public trust in political institutions. Along with growing dissatisfaction with political elites and systemic corruption, these crises created conditions in which populist and anti-elite discourses transformed into an influential social and political movement, represented by Donald Trump. The methodology of this research is analytical and explanatory. This study seeks to explain how these factors have converged to shape the political phenomenon of Trumpism. The findings indicate that Trumpism, as a direct result of complex processes within American liberal democracy, emerged from identity crises and failures in reproducing equality and social justice. Through a populist discourse, Trump managed to mobilize segments of society that felt excluded from democratic processes. In this context, he exploited deep-seated distrust toward elites and offered simplistic and reductionist solutions, presenting himself as an alternative political force against the liberal democratic system. Thus, the emergence of Trumpism can be understood as a paradoxical response to the internal crises of American liberal democracy.

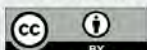
Keywords: Trump, Trumpism, identity crisis, decline of liberal democracy, populism.

1 Associate Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Ahvaz, Iran.
hkarimifard@yahoo.com

Cite this Paper: Karimi-Fard' H.(2025). Trumpism and Its Prospects: Intensification of the Liberal Democracy Identity Crisis and the Decline of Fundamental American Values During Donald Trump's Presidency. American strategic studies, 4(16), 11–34.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .



ترامپسم و چشم انداز آن؛ تشدید بحران هویتی لیبرال دموکراسی و انحطاط ارزش‌های بنیادین آمریکایی در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ

حسین کریمی فرد^۱

چکیده

این تحقیق به پرسش اساسی می‌پردازد که چرا سیستم لیبرال دموکراسی آمریکایی در نهایت به ظهور ترامپسم به‌عنوان محصول نهایی خود انجامید؟ فرضیه اصلی تحقیق این است که ترامپسم، به‌عنوان یک پدیده پوپولیستی، به‌طور مستقیم از بحران‌های ساختاری و ایدئولوژیک لیبرال دموکراسی نشأت گرفته است. این بحران‌ها عمدتاً ناشی از تضعیف اصول بنیادین دموکراسی همچون مشارکت مدنی، عدالت اجتماعی و اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی بوده است. این بحران‌ها همراه با نارضایتی فزاینده از نخبگان سیاسی و فساد سیستماتیک، شرایطی را فراهم آورده‌اند که در آن گفتمان‌های پوپولیستی و ضد نخبگان توانسته‌اند به یک جنبش اجتماعی و سیاسی مؤثر تبدیل شوند که توسط دونالد ترامپ نمایندگی می‌شود. روش‌شناسی این تحقیق تحلیلی و تبیینی است. این مطالعه سعی دارد توضیح دهد که چگونه این عوامل در کنار هم آمده‌اند تا پدیده سیاسی ترامپسم را شکل دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ترامپسم به‌عنوان نتیجه مستقیم فرایندهای پیچیده در بطن لیبرال دموکراسی آمریکایی، ناشی از بحران‌های هویتی و ناکامی در بازتولید برابری و عدالت اجتماعی ظهور کرده است. ترامپ از طریق گفتمان پوپولیستی، موفق شد بخش‌هایی از جامعه را که احساس می‌کردند از فرآیندهای دموکراتیک کنار گذاشته شده‌اند، بسیج کند. در این زمینه، ترامپ از بی‌اعتمادی عمیق به نخبگان بهره برد و راه‌حل‌های ساده‌انگارانه و تقلیل‌گرایانه‌ای ارائه داد که خود را به‌عنوان یک نیروی سیاسی آلترناتیو در برابر سیستم دموکراسی لیبرال معرفی کرد. بدین ترتیب، ظهور ترامپسم به‌عنوان یک پاسخ متناقض به بحران‌های درونی لیبرال دموکراسی آمریکایی قابل درک است.

کلیدواژه‌ها: ترامپ، ترامپسم، بحران هویت، انحطاط لیبرال دموکراسی، پوپولیسم.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

صص: ۳۴-۱۱

شابا چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



۱- دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران.

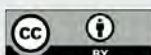
hkarimifard@yahoo.com

استناد: کریمی فرد، حسین (۱۴۰۳). ترامپسم و چشم انداز آن؛ تشدید بحران هویتی لیبرال دموکراسی و انحطاط ارزش‌های بنیادین آمریکایی در دوران

ریاست جمهوری دونالد ترامپ. مطالعات راهبردی آمریکا، ۴(۱۶)، ۳۴-۱۱. DOR: 20.1001.1.28210247.1403.4.16.1.5

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

لیبرال دموکراسی به عنوان یکی از مهم‌ترین نظام‌های سیاسی و ایدئولوژیک در قرن بیستم، بر اصولی چون حقوق بشر، آزادی‌های فردی، حکومت قانون و دموکراسی نمایندگی مبتنی است. این اصول نه تنها پایه‌گذار نظم سیاسی کشورهای غربی بودند، بلکه هژمونی خود را در سطح جهانی نیز به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد تثبیت کردند. با این حال، در دو دهه اخیر، به‌ویژه با ظهور رهبرانی چون دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا، شاهد بحران هویتی در این نظام‌ها هستیم. این بحران در قالب رشد پوپولیسم، افول ارزش‌های لیبرالی و افزایش نارضایتی عمومی از نهادهای دموکراتیک خود را نشان داده است. ترامپ، با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آمریکا، توانست موجی از نارضایتی را در میان اقشار مختلف جامعه برانگیزد و توده‌گرایی را به‌عنوان جایگزین نخبگان سیاسی و ارزش‌های لیبرالی معرفی کند. ظهور پوپولیسم در دوران ترامپ نه تنها موجب انحطاط هژمونی ارزش‌های لیبرال دموکراسی در آمریکا شد، بلکه تأثیرات آن بر سیاست‌های جهانی و نیز روندهای دموکراتیک در کشورهای مختلف به‌ویژه در غرب، قابل توجه بوده است.

پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴، بازتاب‌دهنده عمق بحران‌های موجود در لیبرال دموکراسی‌ها بود. جوزف استیگلتز^۱ اقتصاد دان آمریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ معتقد است که با به قدرت رسیدن ترامپ رویای آمریکایی در حال کشته شدن است؛ «دوره اول ترامپ و کمپین انتخاباتی او در سال ۲۰۲۴ کاملاً روشن کرد که او قصد ندارد انواع سیاست‌هایی را که مردم عادی آمریکایی به آن نیاز دارند، اعمال کند. او از کاهش مالیات برای میلیاردرها و شرکت‌ها حمایت می‌کند. ترامپ همچنین کسری بودجه هنگفتی ایجاد خواهد کرد که منجر به نرخ‌های بهره بالا و سرمایه‌گذاری کمتر در آینده آمریکا خواهد شد. اگر او و جمهوری خواهان کنگره به لغو قانون کاهش تورم عمل کنند، آمریکایی‌ها دسترسی کمتری به مراقبت‌های پزشکی و هزینه‌های بالاتر خواهند دید» (Stiglitz, 2024). این سیاست‌ها، که به نفع طبقه مرفه و صاحبان کسب و کارهای بزرگ بودند، از منظر اجتماعی و اقتصادی باعث افزایش نابرابری و تشدید شکاف‌های اجتماعی شدند. ترامپ، که خود را به‌عنوان نماینده مردم عادی

1. Joseph Stiglitz

در مقابل نخبگان سیاسی معرفی کرد، با شعارهایی نظیر «آمریکا اول»^۱ و «جنگ علیه نخبگان»^۲ توانست به شکاف‌های موجود در جامعه آمریکا، به‌ویژه در مناطق اقتصادی ضعیف‌تر، پاسخ دهد. او از نارضایتی‌های اقتصادی، از جمله رکود پس از بحران مالی ۲۰۰۸، و احساس بی‌عدالتی اجتماعی برای بسیج حمایت مردمی بهره جست. همچنین، ترامپ با بهره‌برداری از نگرانی‌های فرهنگی و هویتی مرتبط با مهاجرت و جهانی‌شدن، توانست پایگاه‌های گسترده‌ای در میان رأی‌دهندگان سنتی آمریکا ایجاد کند که احساس می‌کردند هویت ملی و فرهنگی‌شان تهدید شده است. این پدیده، که در آن نخبگان سیاسی و رسانه‌ای به‌عنوان دشمنان مردمی تصویر می‌شوند، نمونه‌ای از نوع جدیدی از پوپولیسم است که با شعارهای ساده و رادیکال توانست ساختار سیاسی را در آمریکا دگرگون کند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین و کاندیدای پیروز انتخابات ایالات متحده در سال ۲۰۲۴، به‌عنوان یک نماد برجسته از پوپولیسم در قرن بیست‌ویکم، توانست خود را به‌عنوان نماینده واقعی مردم معرفی کند و شعارهای ضدسیستم و ضدنخبگان را در مقابل نهادهای دموکراتیک و ارزش‌های لیبرال مطرح سازد. ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود با به‌چالش کشیدن اصول بنیادین لیبرال دموکراسی، همچون آزادی رسانه‌ها، حقوق بشر، و توازن قدرت، بحران هویتی جدیدی را در نظام دموکراتیک ایالات متحده ایجاد کرد. این پدیده نه تنها وضعیت داخلی آمریکا بلکه تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های جهانی و آینده لیبرال دموکراسی‌ها در سطح بین‌المللی داشته است.

هدف این مقاله تحلیل بحران هویتی لیبرال دموکراسی و انحطاط ارزش‌های لیبرالیسم در دوره ترامپ است. این مقاله به بررسی دلایل و عواملی می‌پردازد که موجب به‌وجود آمدن این بحران شده‌اند و نشان می‌دهد که چگونه ترامپ و جنبش‌های پوپولیستی توانستند از این بحران‌ها برای تضعیف هژمونی ارزش‌های لیبرال دموکراسی استفاده کنند. سؤال این مقاله عبارت است از: چرا سیستم لیبرال دموکراسی آمریکایی در نهایت به ظهور ترامپیسم به‌عنوان محصول نهایی خود انجامید؟ فرضیه اصلی تحقیق این است که ترامپیسم، به‌عنوان یک پدیده پوپولیستی، به‌طور مستقیم از بحران‌های ساختاری و ایدئولوژیک لیبرال دموکراسی نشأت گرفته است. این بحران‌ها عمدتاً ناشی از تضعیف اصول بنیادین دموکراسی همچون مشارکت مدنی، عدالت اجتماعی و اعتماد

1. America First
2. The war against the elite

عمومی به نهادهای سیاسی بوده است. این بحران‌ها همراه با نارضایتی فزاینده از نخبگان سیاسی و فساد سیستماتیک، شرایطی را فراهم آورده‌اند که در آن گفتمان‌های پوپولیستی و ضد نخبگان توانسته‌اند به یک جنبش اجتماعی و سیاسی مؤثر تبدیل شوند که توسط دونالد ترامپ نمایندگی می‌شود. در این راستا، ابتدا به تحلیل مفهومی بحران هویتی لیبرال دموکراسی پرداخته خواهد شد و سپس به بررسی ظهور پوپولیسم، تأثیرات آن بر نظم دموکراتیک و نحوه مواجهه ترامپ با این بحران‌ها پرداخته می‌شود.

۱- ادبیات پژوهشی

بحران هویتی لیبرال دموکراسی و ظهور پوپولیسم در دهه‌های اخیر، به ویژه در دوران ترامپ‌پس، موضوعات مهمی در مطالعات سیاسی و اجتماعی معاصر بوده‌اند. این موضوعات در بسیاری از پژوهش‌ها به شکلی متنوع و با رویکردهای مختلف مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در ادامه، به بررسی پیشینه پژوهشی این مسائل پرداخته می‌شود.

۱-۱- بحران هویتی لیبرال دموکراسی

بحران هویتی لیبرال دموکراسی به‌طور گسترده‌ای به تهدیدات و چالش‌هایی اطلاق می‌شود که ارزش‌های بنیادی این نظام سیاسی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. یکی از اولین تحلیل‌های جامع در این زمینه توسط فرانسیس فوکویاما^۱ در کتاب «هویت: درخواست کرامت و سیاست‌های نارضایتی»^۲ (۲۰۱۸)، هشدار داد که لیبرال دموکراسی به دلیل نادیده گرفتن هویت‌های جمعی و ارزش‌های فرهنگی می‌تواند دچار بحران شود. در این اثر، فوکویاما به اهمیت هویت‌های فردی و جمعی در دنیای مدرن اشاره می‌کند و نقش آن‌ها را در به‌چالش کشیدن هژمونی ارزش‌های لیبرال در نظر می‌گیرد.

حضرتی و جاودانی مقدم (۱۴۰۰) در مقاله «تأملی بر دیالکتیک افول گرایی و بازسازی هژمونی آمریکا» معتقدند که افول‌گرایان با تأکید بر مشکلات بنیادین اقتصادی و اجتماعی آمریکا از یک سو و صعود قدرت‌های بزرگ دیگر مثل چین باید از دوره پسا هژمونی آمریکا و افول هژمونی این

1. Francis Fukuyama

2. Identity: The Demand for Dignity and the Politics of Resentment

کشور صحبت کرد اما گروه دیگر با تأکید بر فاصله فناوری و تکنولوژی و قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا، معتقدند این کشور در صدد بازسازی قدرت و تداوم هژمونی در دوران گذار خواهد بود. مزدخواه و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «گذار از بلوغ تقابل به الگوی تعامل نتولیرال: تأملی مقایسه‌ای به سیاست خارجی ترامپ و بایدن» بر این مسأله تأکید دارند که با به قدرت رسیدن ترامپ سیاست خارجی آمریکا دچار چرخش پارادایمی شد. ترامپ در سیاست خارجی به دنبال امتیازگیری و تقابل با نظام بین الملل برآمد در صورتی که با قدرت رسیدن بایدن پارادایم جدید همکاری و تعامل در سیاست خارجی آمریکا در دستور کار قرار گرفت.

کوهکن و سعیدی راد (۱۴۰۲)، در مقاله «مقایسه دیپلماسی عمومی آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ و جو بایدن» معتقدند که در دوره جو بایدن تلاش رسانه‌ای زیادی صورت گرفت تا اقدامات دوره ترامپ را به صورت یک استثناء در سیاست خارجی آمریکا نشان دهد و درصدد ترمیم چهره و تصویر آمریکا برآید.

ملازاده و قزلسفلی (۱۴۰۳) در مقاله «سقوط از ارتفاع دموکراسی: تحلیلی توکویلی از دلایل افول آمریکا» به این نتیجه می‌رسند که ایده دموکراسی به معنای یکسان‌سازی شرایط جامعه و ترویج این مدل به عنوان سبک زندگی سیاسی، با دامن زدن به عادات، افکار و هیجانات توده‌ای، بی‌اعتنائی به امور عمومی و تشدید ذره‌گرایی و... می‌تواند زمینه افول و انزوای این کشور را فراهم سازد.

۲-۱- ظهور پوپولیسم و بحران هویتی

ظهور پوپولیسم به عنوان یک واکنش به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله موضوعات پژوهشی گسترده‌ای در این حوزه است. یکی از مهم‌ترین تئوری‌های این زمینه توسط ارنستو لاکلاو^۱ (۲۰۰۵) ارائه شده است. لاکلاو در کتاب «درباره عقل پوپولیستی»^۲ اشاره می‌کند که پوپولیسم به عنوان یک استراتژی سیاسی، در پی جلب حمایت از بخش‌های اجتماعی است که از نخبگان سیاسی و اقتصادی احساس بی‌عدالتی می‌کنند. در این رویکرد، پوپولیست‌ها با تأکید بر مردم به عنوان یک کل متحد، در مقابل نخبگان و ساختارهای قدرت ایستاده و از احساس نارضایتی عمومی استفاده می‌کنند.

1. Ernesto Laclau
2. On Populist Reason

فیروزی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «پوپولیسم در نظام سیاسی آمریکا و تأثیر آن بر نظم بین‌الملل» معتقدند که ادبیات ساده، زبان تحقیرآمیز، مغلطه‌زبانی، توصیف اغراق‌آمیز، ذهنیت همیشه برنده، ذهنیت ما در مقابل آن‌ها در رویکرد سیاسی ترامپ وجود داشت. مجموعه این خصوصیات نشان داد که ترامپ یک سیاست‌مدار پوپولیست ناسیونالیست می‌باشد که دکترین «خروج از نهادهای بین‌المللی» را در دستور کار قرار داد. این مقاله در صدد ارتباط بین پوپولیسم و سیاست بین‌الملل در دوره ترامپ در دوره اول بوده است، در حالی که در این مقاله تلاش می‌شود پیامدهای داخلی پوپولیسم را بررسی نماید.

کارهای دیگری نیز به‌ویژه در دهه‌های اخیر، تلاش کرده‌اند تا رابطه بین پوپولیسم و بحران هویتی را بررسی کنند. در این راستا، مطالعه‌ای از مود و کال وستر (۲۰۱۷) در کتاب «پوپولیسم: مقدمه‌ای بسیار کوتاه»^۱ نشان می‌دهد که پوپولیسم همواره به بحران هویتی و اقتصادی در کشورهای غربی مرتبط بوده است. آن‌ها نشان می‌دهند که پوپولیسم به‌ویژه در میان طبقات اجتماعی پایین‌تر و آسیب‌دیده از روندهای جهانی شدن و نوسانات اقتصادی به رشد قابل توجهی دست یافته است. به علاوه، این پژوهش‌ها به‌ویژه بر نقش نخبگان سیاسی و اقتصادی و به چالش کشیدن مشروعیت آن‌ها از سوی پوپولیست‌ها تأکید می‌کنند.

۱-۳- ترامپ‌پس‌م و چالش‌های هویتی در آمریکا

دوران ترامپ‌پس‌م در ایالات متحده یکی از نمونه‌های بارز ظهور پوپولیسم در دنیای معاصر است که منجر به بحران هویتی قابل توجهی در نظام سیاسی آمریکا شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ترامپ با بهره‌گیری از احساسات ضد نخبگانی و ملی‌گرایانه، توانسته است بخش‌هایی از جامعه آمریکا را به حمایت از خود جلب کند.

عالیشاهی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله «ماهیت سیاست‌های نژادپرستانه دونالد ترامپ در قابل سیاه‌پوستان آمریکا» معتقد هستند که شکاف‌های عمیق کماکان میان جمعیت سفیدپوستان و سیاه این کشور وجود دارد. در میان رؤسای جمهوری ایالات متحده حتی حضور افرادی همچون باراک اوباما رنگین‌پوست نیز نتوانست گره از چالش‌های وسیع سیاهان بگشاید. در نهایت با ورود دونالد

1. Populism: A Very Short Introduction

ترامپ به کاخ سفید در سال ۲۰۱۶ سیاه‌پوستان آمریکایی به مرز انزوای کامل سیاسی و بیشترین محرومیت‌های اقتصادی و افزایش چالش‌های فرهنگی و اجتماعی با دولت فدرال رسیدند.

یوسف نظر^۱ (۲۰۲۴) در مقاله «پوپولیسم و نئوانزوایی گرای ترامپ در دنیای قطبی شده»^۲ معتقد است که انتخابات ۲۰۲۴ بازتاب آشکاری از قطبی شدن جامعه آمریکا بود. برای حامیان ترامپ، پیروزی او به‌عنوان احیای عظمت آمریکا تلقی می‌شود اما برای منتقدان او، این نشان دهنده فرسایش بیشتر هنجارهای دموکراتیک و یک لغزش خطرناک به سمت اقتدارگرایی است، از دیدگاه این نویسنده پیروز ترامپ باعث احیای پوپولیسم و قطبی شدن سیاست خواهد شد.

در خصوص سیاست‌های مهاجرتی ترامپ و تأثیر آن بر هویت ملی آمریکا نیز ناندو سیگونا^۳ (۲۰۲۴) در مقاله «معنای ریاست جمهوری ترامپ برای میلیون‌ها مهاجر و خانواده‌های آن‌ها در ایالات متحده آمریکا»^۴ معتقد است سیاست‌های خشن ضد مهاجرتی پیامدهای عمیقی برای میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی و اعضای خانواده آن‌ها و همچنین شهروندان ایالات متحده دارد. دستور کار ترامپ در واقع حمله به یک ستون قانون اساسی آمریکاست آن هم حق قانونی شهروندی برای همه کودکانی است که صرف نظر از وضعیت حقوقی والدینشان در قلمرو ایالات متحده متولد می‌شوند و به‌عنوان شهروندی حق تولد شناخته می‌شود. ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود تلاش کرد تا در این موضوع مداخله کند و در طول مبارزات انتخاباتی ۲۰۲۴، متعهد شد که به تابعیت خودکار کودکان متولد شده در ایالات متحده از مهاجران غیرقانونی در این کشور پایان دهد. او گفت که این کار را از طریق یک فرمان اجرایی انجام خواهد داد که نیازی به تأیید کنگره ندارد.

همانطوری که ملاحظه شد در مقالات و کتب مختلفی در داخل و خارج ایران درباره ترامپ و سیاست‌های او نوشته شده است اما تفاوت این مقاله با متون فوق این است که تمرکز بیشتر بر تشدید بحران‌ها ناشی از ترامپیسم و بررسی چشم انداز آن در داخل آمریکا و جامعه بین‌الملل می‌باشد.

۲- مباحث نظری

1 Yousuf Nazar

2 Trump's Populism And Neo-Isolationism In A Polarised World

3 Nando Sigona

4 What a Trump presidency means for millions of migrants and their families in the US

در مباحث نظری تلاش می‌شود از تئوری‌های مختلف در حوزه‌های فلسفه سیاسی، نظریه دموکراسی و جامعه‌شناسی سیاسی استفاده شود تا درک جامع‌تری از عواملی که به قدرت رسیدن ترامپ و چالش‌هایی که در پی آن برای لیبرال دموکراسی ایجاد شد، حاصل شود.

۲-۱- بحران هویتی و مشروعیت در دموکراسی‌های مدرن

لیبرال دموکراسی، که اساساً به مفهوم حکومتی مبتنی بر آزادی‌های فردی، حاکمیت قانون و حقوق بشر است، در عصر حاضر با چالش‌های عمیقی مواجه شده است. بحران هویتی که بسیاری از جوامع غربی با آن روبه‌رو هستند، از یک سو ناشی از تحولاتی است که در پی جهانی‌شدن و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی به‌ویژه در دو دهه اخیر اتفاق افتاده و از سوی دیگر، ناشی از بی‌اعتمادی فزاینده مردم به نهادهای دموکراتیک و حاکمیتی است.

ماکس وبر در تحلیلی از مفهوم مشروعیت^۱ در جوامع مدرن، تأکید می‌کند که در دموکراسی‌های معاصر، مشروعیت به‌طور فزاینده‌ای به چالش کشیده می‌شود. او معتقد است که نهادهای سیاسی زمانی مشروعیت خود را از دست می‌دهند که نتوانند پاسخ‌گویی مؤثری به خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه بدهند (وبر، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر، بحران هویتی در لیبرال دموکراسی‌ها به دلیل ناکارآمدی نهادهای دموکراتیک در مواجهه با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به تهدیدی برای مشروعیت سیستم‌های سیاسی تبدیل شده است.

آنتونی گیدنز^۲ نیز به نحوه شکل‌گیری بحران مشروعیت در جوامع مدرن پرداخته و آن را به تحولات اجتماعی- اقتصادی و فرآیندهای جهانی‌شدن نسبت می‌دهد. گیدنز از اصطلاح «بی‌ثباتی اجتماعی»^۳ استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه تغییرات سریع در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک موجب شده‌اند که ساختارهای دموکراتیک نتوانند به‌طور مؤثر منافع و خواسته‌های مختلف اقشار مختلف جامعه را نمایندگی کنند. بحران هویتی و اقتصادی موجب شده است که گروه‌های زیادی از مردم احساس کنند که در برابر جهانی‌شدن، مهاجرت و فرآیندهای نوین اقتصادی از قدرت کافی برای حفظ منافع خود برخوردار نیستند. این احساس بی‌قدرتی، زمینه‌ساز جلب حمایت از پوپولیسمی شد که ترامپ نماینده آن بود (Giddens, 2017).

1 Legitimacy

2 Anthony Giddens

3 Social instability

۲-۲- پوپولیسم

پوپولیسم به‌ویژه در قالب ترامپیزم، یکی از پیامدهای بحران هویتی و مشروعیتی است که در دموکراسی‌های لیبرال به وجود آمده است. نظریات مختلفی در مورد پوپولیسم وجود دارد که هر یک به نوعی بر تعارض میان «مردم» و «نخبگان» تأکید دارند. مودی و کالت‌واسر (۲۰۱۷) در تحلیل خود از پوپولیسم آن را به‌عنوان «ایدئولوژی‌ای که مردم را در مقابل نخبگان قرار می‌دهد» تعریف می‌کنند و می‌گویند که پوپولیسم اساساً یک نوع خط‌مشی سیاسی است که منافع و خواسته‌های مردم عادی را در مقابل نهادهای حاکم، سیاسی و اقتصادی می‌گذارد (Mudde & Kaltwasser, 2017: 11-17).

ارنستو لاکلاو یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان پوپولیسم، مفهوم «هژمونی پوپولیستی» را مطرح می‌کند. او معتقد است که پوپولیسم می‌تواند یک هژمونی جدید ایجاد کند که در آن یک کنش سیاسی جدید، مبتنی بر اتحاد گروه‌های اجتماعی مختلف حول یک دشمن مشترک (مثلاً نخبگان فاسد) و بر اساس مجموعه‌ای از خواسته‌های خاص، شکل می‌گیرد (Laclau, 2005). ترامپ با بهره‌گیری از این رویکرد، توانست یک هژمونی جدید ایجاد کند که نه تنها بر نارضایتی‌های اقتصادی، بلکه بر نگرانی‌های هویتی و فرهنگی نیز متمرکز بود.

در این میان، پاپاس تاکیس^۱ (۲۰۱۹) در کتاب خویش به مقایسه و تحلیل پوپولیسم در دموکراسی‌های لیبرال و همچنین تأثیر آن بر روی دموکراسی‌های غربی به ویژه ایالات متحده، پرداخته است. در این کتاب، پاپاس بررسی می‌کند که چگونه پوپولیسم به ظهور ترامپ کمک کرده است (Pappas, 2019: 56-72). از این رو، ظهور ترامپیزم به‌عنوان یک حرکت پوپولیستی نمی‌تواند تنها به ویژگی‌های شخصی ترامپ محدود شود، بلکه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر به ظهور پوپولیسم در ایالات متحده و پیروزی ترامپ شدند.

این چارچوب نظری به‌ویژه برای تحلیل بحران‌های بنیادین در سیستم‌های لیبرال دموکراتیک که به‌وسیله جنبش‌های پوپولیستی و رهبری‌های ضدسیستم، مانند ترامپ، دچار چالش شده‌اند، مناسب است. این بحران‌ها در نتیجه از دست دادن مشروعیت نهادهای دموکراتیک، تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، و واکنش‌های مردم به نابرابری‌های موجود، ظهور می‌کنند.

1 Pappas, Takis S

۳- بحران هویتی لیبرال دموکراسی

لیبرال دموکراسی به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی در قرن بیستم توانست خود را به عنوان یک مدل دموکراتیک غالب در دنیا معرفی کند. اما از اوایل قرن بیست و یکم، روندهای جهانی شدن، تغییرات ساختاری در اقتصاد و جامعه، و بحران‌های اقتصادی باعث شدند که این نظام دموکراتیک با چالش‌های جدیدی مواجه شود. در این شرایط، بسیاری از مردم به دنبال راه‌حلی بودند که نظام‌های سیاسی موجود قادر به ارائه آن‌ها نبودند. این وضعیت به ظهور جنبش‌های پوپولیستی منجر شد که در آن‌ها رهبران سیاسی با وعده‌های ساده و پرشور به مخاطبان خود قول تغییرات فوری و رادیکال می‌دهند.

۳-۱- تهدیدهای ناشی از تقویت ملی‌گرایی و افراط‌گرایی

رشد افکار ملی‌گرایانه و راست افراطی در دوران ترامپ‌یسم، یکی دیگر از جنبه‌های انحطاط هژمونی لیبرال دموکراسی بود. ترامپ با به کارگیری زبان تفرقه‌افکن و تحریک‌کننده، به گسترش شکاف‌های اجتماعی و سیاسی دامن زد. این رویکرد نه تنها بر تقویت افکار ضد لیبرال تأثیر گذاشت، بلکه باعث به چالش کشیدن هویت دموکراتیک و جهانی لیبرال نیز شد. «ملی‌گرایی در دوره ترامپ یکی از ارکان اصلی پوپولیسم او بود. ترامپ با شعار اول آمریکا بر اهمیت بازگشت به ارزش‌ها و اولویت‌های داخلی تأکید می‌کرد. این رویکرد ملی‌گرایانه، که یکی از ویژگی‌های اصلی پوپولیسم بود، هم در سیاست‌های داخلی و هم در سیاست خارجی آمریکا ظهور داشت. احیای ناسیونالیسم قومی را به عنوان انحراف از سیاست عادی در غرب می‌دانند. ظهور ناسیونالیسم قومی و پوپولیسم امروز را به تغییرات ساختاری در مقیاس بزرگ، مانند رشد در نابرابری اقتصادی، واکنش منفی به سیاست‌های لیبرال، و ظهور رسانه‌های اجتماعی ارتباط دارد» (Schertzer and Woods, 2022: 89-100). در سیاست داخلی، ترامپ بر تولید ملی، حمایت از کارگران آمریکایی و کاهش وابستگی به بازارهای جهانی تأکید کرد در سیاست خارجی، این شعار به‌ویژه در زمینه‌های تجاری و امنیتی نمایان شد. خروج آمریکا از توافق‌های بین‌المللی نظیر توافق هسته‌ای ایران (برجام) و توافق اقلیمی پاریس، نمادهایی از رویکرد «اول آمریکا»^۱ بودند که بر محدود کردن تعهدات بین‌المللی آمریکا و تمرکز

1 America First

بر منافع ملی این کشور تأکید داشت. سیاست‌های داخلی و خارجی ترامپ، به‌ویژه در زمینه‌های مهاجرت، تجارت، و محیط زیست، با نقد شدید و حتی رد بسیاری از اصول لیبرال دموکراسی همراه بود. این سیاست‌ها نه تنها بر ساختار اجتماعی ایالات متحده تأثیر گذاشت، بلکه بر هژمونی جهانی ارزش‌های لیبرال نیز اثرگذار شد. ترامپ با اتخاذ رویکردهای یکجانبه‌گرایانه در سیاست خارجی، به چالش کشیدن نهادهای بین‌المللی نظیر ناتو، سازمان ملل و توافق‌نامه‌های جهانی مانند برجام، موجب تضعیف اعتبار نظام جهانی لیبرال شد.

ظهور ملی‌گرایی افراطی و پوپولیسم در دوران ترامپ، یکی دیگر از شاخص‌های انحطاط هژمونی ارزش‌های لیبرال دموکراسی بود. «آمریکا بزرگ‌ترین منتفع از نظم سیاسی و اقتصادی پس از جنگ بوده است. ایالات متحده با متقاعد کردن بسیاری از جهان به پذیرش اصول لیبرال دموکراسی (حداقل به صورت لفاظی)، نفوذ جهانی خود را گسترش داد و خود را به عنوان «شهر درخشان بر روی یک تپه»^۱ در جهان تثبیت کرد. با این حال، ریاست جمهوری ترامپ بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات جهانی است، زیرا سرنوشت لیبرال دموکراسی به رهبری واگذار می‌شود که به اصول اساسی آن حمله می‌کند. تحقیر ترامپ از حاکمیت قانون، عدم تمایل به پذیرش شکست در انتخابات، و علاقه به خودکامگانی مانند ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه و شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، برای جوامع آزاد و باز بدنام است» (Patten, 2024). ترامپ با استفاده از زبان تفرقه‌افکن و تحریک‌کننده، گروه‌های راست‌گرای افراطی را به میدان آورد و از سیاست‌هایی حمایت کرد که به وضوح مخالف اصول چندفرهنگ‌گرایی و پذیرش تنوع فرهنگی بودند. ترامپ همچنین با بهره‌برداری از احساسات ملی‌گرایانه، به تضعیف روابط میان اقلیت‌ها و اکثریت‌های اجتماعی پرداخت که موجب افزایش شکاف‌های اجتماعی و تهدید امنیت ملی شد.

۲-۳- ضعف نهادهای دموکراتیک و حقوقی

یکی از بارزترین ویژگی‌های دوران ترامپ، فشارهای بی‌سابقه بر نهادهای دموکراتیک ایالات متحده بود. ترامپ به طور مکرر بر نهادهایی چون رسانه‌ها، قضات، پلیس، و حتی کنگره حمله می‌کرد. این حملات، که گاهی اوقات به تهدید نهادهای قضایی و اجرایی می‌انجامید، موجب

1 shining city on a hill

تضعیف اصول جدایی قوا و استقلال نهادهای دموکراتیک شد. در این بخش، به تحلیل آثار این فشارها و واکنش نهادهای مختلف پرداخته خواهد شد.

ترامپ از اختیارات خود برای دستکاری در فرآیندهای قانونی به نفع خود بهره برد. برای مثال فشارهایی که او به مقامات ایالتی برای تغییر نتایج انتخابات ۲۰۲۰ وارد کرد، یکی از موارد برجسته این جنس تهدیدات بود (Gluck and Others, 2022).

چنین رفتارهایی از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده، که نماد و پیشتاز دموکراسی‌های لیبرال در جهان است، به وضوح اصول حاکمیت قانون را تضعیف کرد. به عنوان مثال، به طور غیرمستقیم ترامپ را متهم به فشار و مداخله در امور قضائی است، ترامپ به شدت به نهاد قضائی حمله کرده و تلاش کرد تا مشروعیت این نهادها را زیر سوال ببرد (Williamson, 2023). این رویکرد نه تنها اصول جدایی قوا را تهدید کرد، بلکه به تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دموکراتیک نیز منجر شد.

در دوران ترامپ، یکی از مشکلات عمده، تضعیف نهادهای دموکراتیک و اصل حاکمیت قانون بود. ترامپ به طور مداوم به نهادهای مستقل مانند قضات، رسانه‌ها و نهادهای نظارتی حمله می‌کرد. به عنوان مثال، ترامپ در طول تحقیقات مولر درباره مداخله روسیه در انتخابات ۲۰۱۶، سعی کرد تا از طریق فشار سیاسی به مراجع قضائی مانع پیشرفت تحقیقات شود (Mueller, 2019: 89) او همچنین به طور مداوم رسانه‌ها را به عنوان «دشمن مردم» توصیف می‌کرد و بر صحت اطلاعات خبری که به ضرر او بودند، شک و تردید می‌افکند.

در لیبرال دموکراسی، استقلال قوا و تأکید بر حاکمیت قانون به عنوان اصول بنیادین محسوب می‌شوند. در حالی که ترامپ به طور مداوم به این اصول حمله می‌کرد و نهادهای قضائی و رسانه‌ای را زیر سؤال می‌برد، لیبرال دموکراسی به تضمین عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری از طریق نهادهای مستقل پایبند است. ترامپ با دستکاری در فرآیندهای قانونی و تلاش برای اعمال فشار به نهادهای مختلف، در واقع به تضعیف ساختارهای قانونی دموکراتیک می‌پردازد (Grossmann, 2021: www.niskanencenter.org).

۳-۳- نقض اصول دموکراتیک و تهدید آزادی‌های مدنی و حقوق بشر

یکی از اصلی‌ترین ارزش‌هایی که در لیبرال دموکراسی‌ها مورد تأکید است، آزادی‌های فردی و حقوق بشر است. در دوران ترامپ، این اصول به شدت مورد تهدید قرار گرفت. سیاست‌های مهاجرتی ترامپ، از جمله ممنوعیت سفر برای شهروندان کشورهای مسلمان و محدود کردن پذیرش پناهندگان، به وضوح مغایر با اصول حقوق بشر و آزادی‌های فردی بود. علاوه بر این، ترامپ با تصویب قوانینی که به طور غیرمستقیم به اقلیت‌های نژادی و دینی آسیب می‌رساند (Carlson & Wheeler, 2024: 335- 336) اصول بنیادین عدالت اجتماعی و برابری را به چالش کشید. در زمینه حقوق اقلیت‌ها، به‌ویژه اقلیت‌های نژادی و جنسی، ترامپ از سیاست‌هایی حمایت کرد. که به جای ارتقای حقوق بشر، به محدود کردن آن‌ها منجر می‌شد. او در واکنش به اعتراضات علیه خشونت پلیس علیه سیاه‌پوستان، از واکنش‌های شدید و ضدحقوق بشری استفاده کرد. این اقدامات به تدریج جامعه را به دو بخش تقسیم کرد و نه تنها نژادپرستی را در آمریکا تشدید کرد بلکه ارزش‌های اساسی لیبرال دموکراسی را در زمینه عدالت و برابری تضعیف کرد (Schmitt, 2019, www.americanprogress.org).

ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود به شدت در معرض انتقادات بر سر نقض اصول دموکراتیک قرار گرفت. یکی از بارزترین موارد این نقض، تلاش‌های ترامپ برای تضعیف فرآیندهای انتخاباتی و نتایج آن‌ها بود. پس از انتخابات ۲۰۲۰، ترامپ به طور علنی ادعا کرد که انتخابات به سرقت رفته و قلب گسترده‌ای در آن‌ها رخ داده است. این ادعاها بدون هیچ‌گونه مدرک معتبر ادامه یافت و حتی ترامپ تلاش کرد تا مقامات ایالتی را تحت فشار قرار دهد تا نتایج انتخابات را تغییر دهند (Gluck and Others, 2022: www.lawfaremedia.org). حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی در دروه اول ترامپ شکلی کاملاً بی‌سابقه مورد چالش واقع شدند. در این دوره ترویج و حمایت از دموکراسی نادیده گرفته شد. دولت ترامپ به صراحت - هم در گفتار و هم در عمل - قصد خود را برای کنار گذاشتن اصول حقوق بشر و دموکراسی اعلام کرده است (Regilme, 2022:123).

۳-۴. حملات به رسانه‌های آزاد و کاهش شفافیت

یکی دیگر از شاخص‌های انحطاط هژمونی ارزش‌های لیبرال دموکراسی، حملات مداوم ترامپ به رسانه‌ها و نهادهای خبری بود. ترامپ به طور مداوم رسانه‌های مستقل را به عنوان «دشمن مردم» معرفی می‌کرد و از اصطلاح «اخبار جعلی» برای بی‌اعتبار کردن گزارش‌های رسانه‌ها استفاده می‌کرد. این حملات به رسانه‌های آزاد نه تنها باعث کاهش اعتماد عمومی به رسانه‌ها شد بلکه به طور جدی شفافیت در فرآیندهای دموکراتیک را به خطر انداخت. «ترامپ مدت‌هاست که گفته است روزنامه‌نگاران «اخبار جعلی» را ارائه می‌کنند و «دشمن مردم» هستند، اما از زمان خروج از قدرت در سال ۲۰۲۱، او از زبان خشونت‌آمیزتری استفاده کرده است. در گردهمایی سال ۲۰۲۲ در تگزاس، ترامپ پیشنهاد کرد که تهدید به تجاوز در زندان می‌تواند یک روزنامه‌نگار را مجبور کند که منابع خود را افشا کند» (Berger, 2024). در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ فساد سیاسی و اقتصادی نیز به یک مسئله جدی تبدیل شد. سوءاستفاده از قدرت و موقعیت‌های دولتی برای منافع شخصی و تجاری، از جمله مواردی چون فعالیت‌های تجاری ترامپ و خانواده‌اش در زمان ریاست جمهوری، موجب کاهش شفافیت در اداره کشور شد (Hetherington and Ladd, 2022).

۳-۵. نژادگرایی و سیاست‌های مهاجرتی ترامپ

یکی از سیاست‌های کلیدی ترامپ که با اصول بنیادین لیبرال دموکراسی در تضاد بود، رویکرد ضد مهاجرتی او بود. ترامپ و حامیان‌ش قول داده‌اند (در دوره دوم ریاست جمهوری) دستور کار ضد مهاجران شدیدتری را اجرا کنند، از جمله تعهد به انجام بزرگ‌ترین اخراج دسته جمعی در تاریخ ایالات متحده، پایان دادن به حق شهروندی و لغو حمایت‌های بشردوستانه برای کسانی که قبلاً در ایالات متحده بودند (Carlson & Wheeler, 2024: 345-347) در لیبرال دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های فردی باید توسط دولت‌ها محترم شمرده شود و از سرکوب و تبعیض علیه اقلیت‌ها جلوگیری شود. این در حالی است که ترامپ از طریق سیاست‌های محدودکننده مهاجرت و برخورد نابرابر با اقلیت‌ها، نه تنها از این اصول تخطی کرد بلکه به تقویت نگرش‌های نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز در جامعه دامن زد.

نژادگرایی در سیاست‌های ترامپ نه تنها به‌طور آشکار در سیاست‌های داخلی او نمایان بود، بلکه در سیاست‌های خارجی و روابط ایالات متحده با کشورهای دیگر نیز تأثیرات بزرگی داشت. ترامپ از آغاز کار خود، سیاست‌های مهاجرتی را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه‌های اجرایی خود معرفی کرد. سیاست «ممنوعیت سفر^۱» که به‌ویژه بر مهاجران از کشورهای عمدتاً مسلمان تأکید داشت، نماد بارز این رویکرد نژادگرایانه بود. ترامپ در این سیاست‌ها تلاش داشت تا از ورود مهاجران از کشورهای با اکثریت مسلمان یا کشورهای پرتنش جلوگیری کند و این به‌وضوح در تضاد با اصول اولیه حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی آمریکا بود (Pappas, 2019:41).

این سیاست‌ها به‌ویژه در سطح بین‌المللی تأثیرات منفی زیادی داشت. بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی متحدان اروپایی ایالات متحده از این سیاست‌ها انتقاد کردند و آن را نشان‌دهنده نژادگرایی و تبعیض مذهبی دانستند. ترامپ همچنین با تشدید قوانین مهاجرتی و ایجاد دیوار مرزی با مکزیک، سعی کرد تصویری از ایالات متحده را ترسیم کند که به‌طور کامل از «دیگران» محافظت می‌کند و به‌ویژه از تهدیدات مهاجرتی و تروریستی خارجی می‌هراسد (safarova, 2021: 46). در سطح داخلی نیز، این سیاست‌ها موجب بروز بحران‌های اجتماعی و فرهنگی در ایالات متحده شد. تلاش ترامپ برای محدود کردن ورود مهاجران غیرقانونی و ساخت دیوار مرزی، موجب تقسیم‌بندی‌های عمیق اجتماعی و افزایش تنش‌های نژادی در داخل کشور گردید. این اقدامات باعث تقویت احساسات ضد مهاجرتی و نژادپرستانه در میان بخش‌هایی از جامعه شد و به‌ویژه موجب تقویت جنبش‌های راست‌گرا و ملی‌گرا در سطح داخلی گردید. نژادگرایی ترامپ، به‌ویژه در عرصه سیاست‌های مهاجرتی و امنیتی، موجب دامن زدن به شکاف‌های اجتماعی در داخل ایالات متحده شد.

۶-۳- کاهش تعهدات بین‌المللی و تضعیف نظام جهانی لیبرال

ترامپ با اتخاذ سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه در عرصه بین‌المللی، به کاهش تعهدات ایالات متحده به سازمان‌های بین‌المللی و توافقات جهانی پرداخت. خروج ایالات متحده از توافق پاریس، برجام و سازمان بهداشت جهانی نمونه‌هایی از این سیاست‌ها بودند که موجب تضعیف هژمونی نظام جهانی

1 Travel Ban

لیبرال و همکاری‌های بین‌المللی شد (Kannan, 2018: 296). این اقدامات باعث ایجاد بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی در نظام جهانی مبتنی بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی شدند.

۴- ظهور پوپولیسم و تأثیرات آن بر لیبرال دموکراسی

لیبرال دموکراسی در دهه‌های اخیر با بحران‌های فزاینده‌ای روبرو بوده است که یکی از بارزترین آن‌ها ظهور پوپولیسم است (Mudde, 2004: 547). این بحران هویتی، از جمله در ایالات متحده آمریکا در دوران ترامپیسیم، به شکلی عمیق و پیچیده بروز کرده است. ترامپ به عنوان نماد پوپولیسم در دنیای معاصر، نه تنها انتقادات شدیدی به هنجارهای دموکراتیک و ارزش‌های لیبرال وارد آورد بلکه چالش‌های اساسی در برابر نظم جهانی مبتنی بر دموکراسی‌های لیبرال به وجود آورد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پوپولیسم ترامپ، تقابل مداوم او با نخبگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود. ترامپ به‌طور مستمر نهادهای رسمی دولتی، حزب جمهوری‌خواه و دموکرات‌ها و حتی رسانه‌های جریان اصلی را به‌عنوان مسببان مشکلات کشور معرفی می‌کرد. او در شعار «پاکسازی باتلاق^۱» سعی داشت تا خود را به‌عنوان فردی خارج از سیستم و حامی مردم معرفی کند. این حرکت پوپولیستی نه تنها در حوزه‌های سیاسی بلکه در نهادهای اجتماعی و اقتصادی نیز بازتاب داشت. از نظر ترامپ، ساختارهای نخبگانی در ایالات متحده عملاً به یک «دولت عمیق^۲» تبدیل شده‌اند که به‌صورت پنهانی منافع مردم را قربانی می‌کنند و به منافع خود می‌پردازند. این نقد علیه نخبگان به‌ویژه در دوران بحران‌های اقتصادی و اجتماعی مانند بحران مالی ۲۰۰۸ و نابرابری‌های اجتماعی شدت گرفت و موجب جلب حمایت بخش‌هایی از جامعه شد که احساس می‌کردند از طرف سیستم سیاسی نادیده گرفته شده‌اند.

بحران هویتی لیبرال دموکراسی به معنای تهدیدی است که بر اساس آن نظم سیاسی-اجتماعی مبتنی بر حقوق فردی، آزادی، عدالت اجتماعی و نهادهای دموکراتیک به چالش کشیده می‌شود. در دهه‌های اخیر، عواملی مانند جهانی شدن، مهاجرت، و تغییرات اقتصادی در کنار بروز بحران‌های اجتماعی و فرهنگی موجب به‌وجود آمدن نگرانی‌هایی در مورد هویت فرهنگی و ملی شده‌اند.

1 Drain the swamp

2 Deep State

(Mounk, 2018:17). در این زمینه، ظهور پوپولیسم به عنوان واکنشی به این بحران‌ها قابل توجه است.

پوپولیسم به عنوان یک جریان سیاسی در واکنش به نخبگان سیاسی و اقتصادی، به طور عمده بر نارضایتی‌های عمومی از نهادهای موجود تکیه دارد (Laclau, 2005: 35-38). ترامپ، به عنوان نماینده برجسته این جنبش، توانست با بهره‌گیری از احساسات ضد نخبگانی و ملی‌گرایانه، حمایت‌های گسترده‌ای از بخش‌هایی از جامعه آمریکایی که خود را از فرآیندهای جهانی شدن و تحولات اقتصادی عقب‌مانده می‌دیدند، جلب کند (Mudde & Kaltwasser, 2017:19). این امر موجب تقویت بحران هویتی در سطح ملی و جهانی شد.

پوپولیسم ترامپ در سطح داخلی نیز با تأکید بر هویت‌های فرهنگی و نژادی همراه بود. او تلاش می‌کرد تا هویت آمریکایی را در برابر تهدیدات خارجی و داخلی تقویت کند. این سیاست به‌ویژه در مورد مهاجرت و هویت نژادی نمود پیدا کرد. ترامپ با ایجاد تصویری منفی از مهاجران غیرقانونی، به‌ویژه از کشورهای آمریکای لاتین و غرب آسیا، سعی داشت تا خود را به عنوان مدافع «آمریکای واقعی» و هویت ملی معرفی کند. این نوع سیاست‌های نژادی و مهاجرتی که پایه‌گذار بخشی از استراتژی‌های پوپولیستی ترامپ بودند، موجب ایجاد شکاف‌های عمیق اجتماعی در داخل آمریکا شدند و تقویت تنش‌های نژادی را به همراه داشتند.

این بحران هویتی نه تنها در ایالات متحده بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر نیز به چشم می‌خورد. در کشورهای اروپایی، به ویژه در واکنش به بحران مهاجرت و نارضایتی‌های اقتصادی، احزاب پوپولیستی توانسته‌اند حمایت‌های مردمی قابل توجهی را جلب کنند (Rydgren, 2007: 245). این جریان‌ها در سطح جهانی نیز چالش‌های جدیدی را برای دولت‌های لیبرال دموکراتیک به وجود آورده‌اند.

پوپولیسم ترامپ در سطح داخلی نیز با تأکید بر هویت‌های فرهنگی و نژادی همراه بود. او تلاش می‌کرد تا هویت آمریکایی را در برابر تهدیدات خارجی و داخلی تقویت کند. این سیاست به‌ویژه در مورد مهاجرت و هویت نژادی نمود پیدا کرد. ترامپ با ایجاد تصویری منفی از مهاجران غیرقانونی، به‌ویژه از کشورهای آمریکای لاتین و غرب آسیا، سعی داشت تا خود را به عنوان مدافع

«آمریکای واقعی»^۱ و هویت ملی معرفی کند. این نوع سیاست‌های نژادی و مهاجرتی، که پایه‌گذار بخشی از استراتژی‌های پوپولیستی ترامپ بودند، موجب ایجاد شکاف‌های عمیق اجتماعی در داخل آمریکا شدند و تقویت تنش‌های نژادی را به همراه داشتند.

۵- چشم‌انداز ترامپ‌پس در دولت دوم (۲۰۲۴-۲۰۲۸)

به نظر می‌رسد با توجه به مطالب فوق چشم‌انداز دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ (۲۰۲۴-۲۰۲۸) را می‌توان به شکل ذیل تبیین نمود:

۵-۱- بازتعریف نقش دولت در سیاست داخلی

دوره دوم ترامپ می‌تواند بازتابی از تحول در مفهوم دولت مدرن در ایالات متحده باشد. این بازتعریف، بر مبنای نظریه‌های علوم سیاسی مانند اقتدارگرایی رقابتی^۲ و تضعیف نهادهای لیبرال دموکراتیک قابل بررسی است:

- تمرکزگرایی در قدرت اجرایی: ترامپ احتمالاً به تقویت قدرت اجرایی و نهادزدایی^۳ ادامه خواهد داد. این فرایند، با دور زدن نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی، منجر به کاهش شفافیت و مسئولیت‌پذیری می‌شود. به عبارتی تمرکز قدرت در دست قوه مجریه در آمریکا، نهایتاً به فرسایش اعتماد عمومی به دموکراسی منجر می‌شود.

- افزایش قطبیت اجتماعی: دوقطبی‌سازی^۴ به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته دوره ترامپ، نه تنها جامعه آمریکا، بلکه ساختار سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. تداوم این روند، می‌تواند به ایجاد شکاف‌های عمیق‌تر در میان اقشار مختلف و حتی تهدید ثبات داخلی منجر شود.

- جنبش‌های مقاومت مدنی: مقابله با سیاست‌های ترامپ، احتمالاً به تقویت جنبش‌های مقاومت مدنی^۵ منجر خواهد شد. از منظر نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی^۶، این گروه‌ها از ابزارهای مدرن ارتباطی برای سازماندهی و ایجاد شبکه‌های محلی و جهانی استفاده خواهند کرد.

1 Real America
2 Competitive Authoritarianism
3 Deinstitutionalization
4 Political Polarization
5 Civil Resistance Movements
6 Social Movement Theories

۵-۲- تغییرات در سیاست خارجی: از چندجانبه گرایی به ملی گرایی

یکی از مهم ترین تحولات دوره دوم ترامپ، تأثیر بر سیاست خارجی ایالات متحده و نقش آن در نظم بین المللی است. ترامپ با ادامه سیاست «اول آمریکا» به دگرگونی مفهوم رهبری بین المللی ایالات متحده و جایگزینی آن با ملی گرایی عمل گرایانه^۱ خواهد پرداخت.

- تضعیف چندجانبه گرایی: ترامپ در دوره دوم احتمالاً تعهدات آمریکا به نهادهای چندجانبه مانند ناتو، سازمان ملل، و توافقات بین المللی را کاهش خواهد داد. این روند به نظریه والتز^۲ در روابط بین الملل نزدیک است که معتقد است کاهش نقش هژمونیک یک قدرت می تواند به شکل گیری نظم چندقطبی و در نهایت افزایش بی ثباتی منجر شود.

- تقویت روابط دوجانبه: سیاست های خارجی ترامپ به جای مشارکت در ائتلاف های چندجانبه، بر ایجاد و تقویت روابط دوجانبه استوار خواهد بود. این تغییر بر حفظ منافع ملی از طریق روابط محدود و راهبردی تأکید دارد.

- افزایش رقابت با قدرت های نوظهور: روابط آمریکا با چین و روسیه در دوره دوم ترامپ، احتمالاً وارد مرحله ای از رویارویی مستقیم تر خواهد شد.

۵-۳- تأثیر ترامپیسم بر نظم بین المللی

ترامپیسم به عنوان یک مدل سیاسی که تلفیقی از پوپولیسم، ملی گرایی و ضدنخبگی است، می تواند بر نظم بین المللی تأثیرات بنیادینی بگذارد.

- افول هژمونی لیبرال: دوره دوم ترامپ، احتمالاً باعث کاهش اعتماد بین المللی به ارزش های لیبرال دموکراسی خواهد شد. این فرایند می تواند روند افول هژمونی لیبرال^۳ آمریکا را تسریع کند.

- گسترش پوپولیسم جهانی: ترامپیسم الهام بخش رهبران پوپولیست در سایر نقاط جهان، به ویژه اروپا و آمریکای لاتین، خواهد بود. این روند، بر اساس نظریه امواج دموکراتیک معکوس^۴ ساموئل هانتینگتون قابل تحلیل است.

1 Pragmatic Nationalism

2 Waltz

3 Liberal Hegemony

4 Reverse Waves of Democracy

- نظم چندقطبی غیرمتعادل: کاهش نقش رهبری آمریکا می‌تواند به افزایش رقابت میان قدرت‌های بزرگ مانند چین، روسیه، و اتحادیه اروپا منجر شود. این شرایط نظم چندقطبی^۱ را به وضعیت غیرمتعادل^۲ سوق خواهد داد که مستعد تنش‌های بیشتر است.

۴-۵- تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جهانی

دوره دوم ترامپ تأثیرات عمیقی بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، چه در ایالات متحده و چه در سطح جهانی، خواهد داشت:

- تقویت ملی‌گرایی فرهنگی: ترامپ احتمالاً با ادامه سیاست‌های هویتی، به تقویت ملی‌گرایی فرهنگی^۳ در داخل و الهام‌بخشی به جریان‌های مشابه در دیگر کشورها خواهد پرداخت. این روند می‌تواند به افزایش تمایلات ناسیونالیستی و کاهش تعاملات چندفرهنگی^۴ منجر شود.

- چالش جهانی‌سازی فرهنگی: سیاست‌های ضدجهانی‌سازی ترامپ احتمالاً تعاملات فرهنگی میان کشورها را محدود می‌کند و به تقویت مرزهای فرهنگی میان ملت‌ها منجر می‌شود. این روند نشان‌دهنده تلاش برای کاهش تأثیر جریان‌های فرهنگی فراملی است.

- رشد رسانه‌های پوپولیستی: رسانه‌های مرتبط با ترامپسیسم، به‌ویژه در سطح جهانی، می‌توانند نقش مهمی در گسترش ایدئولوژی پوپولیسم و راست‌گرایی افراطی ایفا کنند. این رسانه‌ها ابزار مهمی برای بازتعریف هویت سیاسی و اجتماعی جوامع خواهند بود.

۵-۵- بحران مشروعیت لیبرال دموکراسی در نظام‌های نوظهور

ترامپسیسم می‌تواند به تضعیف مشروعیت لیبرال دموکراسی و افزایش گرایش به نظام‌های اقتدارگرای ترکیبی^۵ در کشورهای در حال توسعه منجر شود:

- رشد نظام‌های هیبریدی: بسیاری از کشورهای نوظهور، با الگوبرداری از ترامپسیسم، به سمت ترکیب نظام‌های دموکراتیک اقتدارگرا حرکت خواهند کرد. این پدیده می‌تواند نظریه گذار به اقتدارگرایی^۶ را تقویت کند.

1 Multipolar Order
2 Unbalanced Multipolarity
3 Cultural Nationalism
4 Multiculturalism
5 Hybrid Regimes
6 Authoritarian Transition

-تضعیف حقوق بشر: کاهش تعهد آمریکا به اصول حقوق بشری، زمینه را برای توجیه نقض حقوق بشر در سایر کشورها فراهم می‌کند. این وضعیت به‌ویژه در نظام‌های نیمه‌اقتدارگرا تأثیرگذار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

لیبرال دموکراسی در قرن بیستم توانست به‌عنوان یک ایدئولوژی غالب در کشورهای غربی شناخته شود و اصول آن در سطح بین‌المللی ترویج گردید. اما از ابتدای قرن بیست و یکم، تغییراتی در این روند رخ داد که خود را در قالب بحران‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نمایان کرده است. این بحران‌ها نه تنها به شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی، بلکه به چالش‌هایی برای هویت و مشروعیت لیبرال دموکراسی منجر شده‌اند. با ظهور ترامپ در آمریکا، این بحران هویتی به اوج خود رسید. در دوران ترامپ، یکی از مؤلفه‌های بارز این بحران، تقابل شدید میان ارزش‌های لیبرال دموکراسی و اصول پوپولیستی بود که ترامپ به‌ویژه در زمینه‌های مهاجرت، حقوق بشر، و سیاست‌های اقتصادی ترویج می‌کرد. سیاست‌های سختگیرانه ترامپ در زمینه مهاجرت، ادعای تقلب در انتخابات، و تضعیف نهادهای دموکراتیک مانند دادگاه‌ها و رسانه‌ها، نمونه‌های مشخصی از چالش‌هایی هستند که به تضعیف ساختارهای دموکراتیک آمریکا و ایجاد گسست‌های عمیق در جامعه منجر شدند.

ملی‌گرایی، نژادگرایی و سیاست‌های انزواطلبانه ترامپ، که به‌طور آشکار مخالف اصول حقوق بشر، برابری و همکاری‌های بین‌المللی بودند، موجبات تضعیف جایگاه ایالات متحده به‌عنوان یک رهبری جهانی در زمینه دموکراسی و حقوق بشر را فراهم کردند. در حالی که ایالات متحده در گذشته به‌عنوان یک مدل از لیبرال دموکراسی شناخته می‌شد، سیاست‌های ترامپ موجب شد که این کشور به‌طور فزاینده‌ای از اصول بنیادین خود فاصله بگیرد و شاهد افزایش ملی‌گرایی و نارضایتی جهانی باشد.

این بحران در وهله اول به فروپاشی اجماع عمومی و تضعیف اعتماد مردم به نهادهای دولتی و قضائی منتهی شد. در مقطع زمانی ریاست‌جمهوری ترامپ، بی‌اعتمادی عمومی به فرآیندهای انتخاباتی، به‌ویژه پس از انتخابات ۲۰۲۰ و تداوم انتقاد از استقلال قوا و نظام قضائی اتفاق افتاد چنین

فضای سیاسی باعث شد که شکاف‌های اجتماعی و ایدئولوژیک در آمریکا تشدید شود و نهادهای دموکراتیک عملاً به عاملان تفرقه و مناقشات داخلی تبدیل شوند.

این شکاف‌ها در درازمدت به یک بحران عمیق‌تر در هویت ملی ایالات متحده منجر شد. هویت ملی که در گذشته بر مبنای اصولی چون آزادی، برابری و حقوق بشر بنا شده بود، اکنون در مقابل یک هویت جدید قرار گرفته که بر اساس احساسات ناسیونالیستی و اولویت دادن به منافع داخلی و ملی‌گرایی شکل گرفته است. این تغییرات به‌ویژه در عرصه فرهنگی و اجتماعی عواقب غیرقابل‌انکاری داشته است که شامل تضعیف احساس همبستگی ملی، رشد گفتمان‌های افراطی و دوقطبی شدن فضای سیاسی کشور می‌شود.

به نظر می‌رسد ایدئولوژی پوپولیسم، ناسیونالیسم و بحران هویتی در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ ادامه پیدا کند. بحران هویتی در لیبرال دموکراسی ایالات متحده به یکی از چالش‌های این کشور تبدیل خواهد شد، این بحران نه تنها بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی بلکه بر هویت ملی و اجتماعی نیز تأثیر خواهد گذاشت. پوپولیسم و ملی‌گرایی افراطی، تضعیف نهادهای دموکراتیک، افزایش بی‌اعتمادی عمومی به نظام سیاسی، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و ترویج اطلاعات نادرست، از جمله شاخص‌های اصلی بحران در دوره دوم ترامپ خواهد بود. این شاخص‌ها به وضوح نشان می‌دهد که اصول و ارزش‌های لیبرال دموکراسی نظیر حاکمیت قانون، برابری حقوق، آزادی‌های فردی و شفافیت مورد تهدید جدی واقع خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- حضرتی، محمدامین و جاودانی مقدم، مهدی. (۱۴۰۰). تاملی بر دیالکتیک افول گرایی و باز سازی هژمونی امریکا. فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، ۱(۱)، ۱۱۹-۱۴۵.
- ملازاده، مهدیه و قزلسفلی، محمد تقی. (۱۴۰۳). سقوط از ارتفاع دموکراسی: تحلیلی توکویلی از دلایل افول امریکا. فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، ۳(۳)، ۶۲-۴۱.
- کوهکن، علیرضا و سعید راد، آرش. (۱۴۰۲). مقایسه دیپلماسی عمومی امریکا در دوره ترامپ و جو بایدن. فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، ۳(۱)، ۶۸-۴۷.
- مزدخواه، احسان و دیگران. (۱۴۰۱). گذار از بلوغ تقابل به الگوی تعامل نئولیبرال: تاملی مقایسه ای به سیاست خارجی ترامپ و بایدن. فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، ۲(۱)، ۷۱-۴۱.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه. مترجم منوچهری عباس و دیگران. تهران
- فیروزی، حسین و دیگران. (۱۳۹۷). پوپولیسم در نظام سیاسی آمریکا و تاثیر آن بر نظم بین الملل. فصلنامه سیاست جهانی، ۷(۳)، ۱۵۲-۱۲۱.
- عالیشاهی، عبدالرضا و دیگران. (۱۳۹۹). ماهیت سیاستهای نژاد پرستانه دونالد ترامپ در قبال سیاه پوستان امریکا. فصلنامه مطالعات بین الملل، ۱۷(۲)، ۱۸۰-۱۳۱.
- Berger, E. (2024). Trump's wild threats put press freedom in the crosshairs in second term. Available at: <https://www.theguardian.com/us-news/2024/nov/10/trump-journalist-media-press-freedom>
- Hetherington, M., Ladd Jonathan, M. (2020). Destroying trust in the media, science, and government has left America vulnerable to disaster. Available at: <https://www.brookings.edu/articles/destroying-trust-in-the-media-science-and-government-has-left-america-vulnerable-to-disaster/>
- safarova, K. (2021). Trump's Wall: The Social, Economic and Political Consequences. Available at: https://is.muni.cz/th/d570q/Karolina_Safarova_Master_s_Thesis.pdf?cop=3437685
- Fukuyama, F. (2018). Identity: The demand for dignity and the politics of resentment. Available at : https://psipp.itb-ad.ac.id/wp-content/uploads/2020/10/Francis-Fukuyama-Identity_-The-Demand-for-Dignity-and-the-Politics-of-Resentment-0-Farrar-Straus-and-Giroux.pdf
- Sigona, N. (2024). what a Trump presidency means for millions of migrants and their families in the US. Available at: <https://theconversation.com/what-a-trump-presidency-means-for-millions-of-migrants-and-their-families-in-the-us-243078>
- Giddens, A. (2017). The Consequences of Modernity. Stanford University Press. Available at: <https://voidnetwork.gr/wp-content/uploads/2016/10/The-Consequences-of-Modernity-by-Anthony-Giddens.pdf>
- Mueller, R. (2019). The Mueller Report: The investigation of Russian interference in the 2016 presidential election. U.S. Department of Justice. Availabe at: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/e4/Report_On_The_Investigation_Int_o_Russian_Interference_In_The_2016_Presidential_Election.pdf
- Mudde, C. (2004). The populist zeitgeist. *Government and Opposition*, 39(4), 541-563.

- Mudde, C. (2018). *Populism and the Threat to Democracy*. Cambridge University Press.
- Mudde, C., Kaltwasser, C.R. (2017). *Populism: A Very Short Introduction*. Oxford University Press.
- Chris, P. (2024). Another Trump Presidency Is the Biggest Threat to Liberal Democracy, Available at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/trump-victory-in-2024-poses-grave-threat-to-postwar-international-order-by-chris-patten-2024-01>
- Carlson, E., Wheeler, C. (2024). Ten Likely Changes to Immigration Policy Under Trump 2.0. *Journal on Migration and Human Security*, Vol. 12(4) 335–349
- Kannan, P.M. (2018). President Trump's Unilateral Attempt to Cease All Implementation of the Paris Agreement and to Withdraw from It: Constitutional? Available at: <https://digitalcommons.pace.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1816&context=pehr>
- Laclau, E. (2005). *On Populist Reason*, London, New York: Verso. Available at: <https://voidnetwork.gr/wp-content/uploads/2016/09/On-Populist-Reason-by-Ernesto-Laclau.pdf>
- Mounk, Y. (2018). *The people vs. democracy: Why our freedom is in danger and how to save it*. Harvard University Press.
- Rydgren, J. (2007). The sociology of the radical right. *Annual Review of Sociology*, 33(1), 241–265.
- Nazar Y. (2024). Trump's Populism And Neo-Isolationism In A Polarised World. Available at: <https://thefridaytimes.com/07-Nov-2024/trump-s-populism-and-neo-isolationism-in-a-polarised-world>
- Gluck M., Others. (2022). Evidence That Trump Tried to Convince State Lawmakers and Election Officials to Alter Election Results. Available at: <https://www.lawfaremedia.org/article/point-4-evidence-trump-tried-convince-state-lawmakers-and-election-officials-alter-election-results>
- Williamson, V. (2023). Understanding democratic decline in the United States. Available at: <https://www.brookings.edu/articles/understanding-democratic-decline-in-the-united-states/>
- Stiglitz, J. (2024). How Trump's Victory Exposes the Failures of Neoliberalism. Available: <https://www.socialeurope.eu/how-trumps-victory-exposes-the-failures-of-neoliberalism>
- Grossmann M. (2021). How Much Did Trump Undermine U.S. Democracy? Available at <https://www.niskanencenter.org/how-much-did-trump-undermine-u-s-democracy/>
- Pappas, T.S. (2019). *Populism and Liberal Democracy: A Comparative and Theoretical Analysis*. Oxford University Press.
- Schmitt, A. (2019). President Trump's Alarming Human Rights Agenda at Home and Abroad. Available at: <https://www.americanprogress.org/article/president-trumps-alarming-human-rights-agenda-home-abroad/>
- Schertzer, R., Woods, E.T. (2022), *The New Nationalism in America and Beyond The Deep Roots of Ethnic Nationalism in the Digital Age*. Oxford University Press., Available at: https://books.google.com/books?id=4CFnEAAAQBAJ&pg=PA1&source=gbs_toc_r&cad=2#v=onepage&q&f=false
- Regilme, S.S. (2022). Human rights at risk in the era of Trump and American decline. In I. Hadiprayitno (Ed.), *Human rights at risk: global governance, American power, and the future of dignity* (pp. 123-139). New Brunswick, New Jersey: Rutgers University Press.

